

از فرار مرگبار مرد بدهکار نامرگ مشکوک پسر ۱۵ساله

حادثه‌های فرار مرگبار مرد بدهکار هنگام گلب، سقوط منبع آب کشاورزی روی سر مرد کشاورز، مرگ سارق کابل برق هنگام سرفقت و مرگ مشکوک پسر نوجوان پس از مصرف مشروب چند پرونده جنایی است که روی میز باز پرس ویژه قتل تهران قرار گرفته است.
به گزارش خبرنگار،ما، ساعت ۹:۴۶ صبح روز دوشنبه چهاردهم خردادماهسال مأموران کلاتری۱۲۸ تهران‌نواز مرگ مشکوک مرد میانسالی باخبر وراهی محل شدند.مأموران در محل حادثه که زمین کشاورزی در شرق تهران بود با جسد مرد ۷۳ساله‌ای روبه‌رو شدند که با اصابت جسم سختی به سرش به کام مرگ رفته بود. بررسی‌ها نشان داد مرد فوت شده کشاورز بوده که هنگام کار در زمین کشاورزی‌اش ناگهان منبع آب روی سرش سقوط می‌کند و ضربه مغزی می‌شود.همزمان باادامه تحقیقات درپاره‌ای حادثه جسد مرد کشاورز برای بررسی بیشتر به دستور بازپرس داسرای امور جنایی به پزشکی قانونی فرستاده شد.

مرگ آتشین زن شهرستانی

حادثه دیگری که ساعت ۱۱:۴۹ روز دوشنبه به مأموران کلاتری ۱۴۵ ونک گزارش شد مرگ زن ۸۲ساله شهرستانی بود که در بیمارستان شهید مطهری به کام مرگ رفته بود. تحقیقات مأموران حکایت از این دادست زن فوت شده‌اهل شهرستان نکا،مازان‌راد است که چندروز قبل بر اثر آتش گرفتن بخاری خانگی به طرز دلخراشی دچار سوختگی و برای درمان به تهران منتقل می‌شود.

سقوط مرگبار زن میانسال

ساعت ۱۲:۲۵ همان روز مرگ مشکوک زن میانسالی به مأموران کلاتری ۱۰۲ اشدان گزارش شد. سپس از اعلام این خبر بازپرس ویژه قتل داسرای امور جنایی تهران همراه تیمی از کارآگاهان اداره دهم پلیس آگاهی راهی محل شدند. تیم جنایی در محل حادثه با جسد زن ۴۰ساله‌ای روبه‌رو شدند که از پنجره خانه‌اش در ساختمن مسکونی به طرز مشکوکی به پایین سقوط کرده و جان باخت بود. در ادامه تحقیقات جسد زن میانسال برای انجام آزمایش‌های لازم به پزشکی قانونی فرستاده شد.

مرگ مشکوک زن جوان در سرویس بهداشتی

همچنین ساعت ۱۶:۲۰ عصر روز دوشنبه مأموران کلاتری بازپرس مرگ مشکوک زن جوانی را به بازپرس داسرای امور جنایی تهران اطلاع دادند. تحقیقات مأموران نشان داد زن ۲۵ساله‌ای در سرویس بهداشتی خانه‌اش به طرز مرموزی فوت کرده‌اشد. بااعلام این حادثه بازپرس جاده مأموران تحقیق کنندا آیزن قبل از فوتش با فردی با افرادی درگیری داشته است یا نه.

سقوط مرگبار مرد بدهکار هنگام گلب

در حالی‌که تحقیقات درباره این حادثه ادامه داشت بازپرس ویژه قتل داسرای امور جنایی تهران ساعت ۱۹:۵۶ با تماس مأموران کلاتری ۱۳۴ شهرک غرب از سقوط مرگبار مرد جوانی با خبر همراه تیمی از کارآگاهان پلیس آگاهی راهی محل شدند. تیم جنایی به محل حادثه در یافتند مرد فوت شده بدهکار بوده و وقتی متوجه می‌شود طلبکارش حکم جلب او را گرفته‌است قصد دارد از بالکن خانه‌اش فرار کند که به پایین سقوط و فوت می‌کند. یکی از مأموران گفت: ساعتی قبل مردی به کلاتری مراجعه کرد و گفت حکم جلب مردی را دارد که یک بلامحل به او داده‌است. ما همراه شاکی به در خانه مرد بدهکار رفتیم و رنگ خاله را اوناختیم. هسمر وی در رانز کرد و برای جلب مرد بدهکار وارد خانه شدیم که صدای مهیبی به گوشمان رسید. وقتی به بیرون نگاه کردیم متوجه شدیم مرد بدهکار هنگام فرار از بالکن به داخل حیاط سقوط کرده و جان باخته است. همزمان با انتقال جسد مرد فوت شده به پزشکی قانونی، مأموران به دستور قاضی تحقیقات درباره این حادثه را آغاز کردند و همچنین بازپرس دستور داد در این‌های مدار بسته محل حادثه را بازبینی کنند تا رازوای پنهان این حادثه برملا شود.

برق جان سارق کابل برق را گرفت

ساعت ۲۱:۴۵ شامگاه دوشنبه مأموران کلاتری ۱۴۶ حکمیه‌ای مرگ مرد جوانی در حوالی یکی از خیابان‌های شمال شرقی تهران با خبر شدند. بررسی‌ها حکایت از این داشت ۲۰ساله‌ای هنگام سرفقت کابل برق دچار برق گرفتگی شده و جان باخته است. جسد سرقت شده برای مشخص شدن علت اصلی مرگ به پزشکی قانونی فرستاده شد.

مرگ پسر ۱۵ساله پس از خوردن مشروب

همچنین چندروز قبل مأموران کلاتری ۱۰۷ فلسطین مرگ مشکوک پسر ۱۵ساله‌ای را به بازپرس ویژه قتل داسرای امور جنایی تهران اطلاع دادند. مادر پسر فوت شده گفت: پسرمد صبح از خانه بیرون رفتی ساعتی بعد در حالی که حالش بد بود به خانه برگشت. لحظه به لحظه حال او بدتر شد و من هم او را بلافاصله برای درمان به بیمارستان بردم، اما متأسفانه پسرمد در بیمارستان فوت کرد. وی ادامه داد: پسر قبل از فوتش به من گفت که همراه دوستانتش در مهمانی مشروب خورده و حالش بد شده‌است و الان من از دوستان پسرمد شکایت دارم. جسد پسر فوت شده برای انجام آزمایش‌های لازم و مشخص شدن علت اصلی مرگ به پزشکی قانونی فرستاده شد. تحقیقات درباره این حادثه ادامه دارد.

باز داشت عاملان شهادت مأمور پلیس

عاملان شهادت یکی از مأموران پلیس در شهرستان جیرفت باز داشت شدند.

شامگاه جمعه ۱۸ خردادماه مأموران پلیس جیرفت از انتقال یک محموله مواد مخدر در جنوب استان کرمان با خبر شده و در محل حاضر شدند. مأموران پلیس در ورودی کهنوج به جیرفت به خودروی سمند حامل مواد مخدر دستور ایست دادند، اما قاچاقچیان مسلح اقدام به تیراندازی کردند که در جریان آن استوارایکم فردین سنجری به شهادت رسید و سردار محمد بهزادی فرمانیز به شدت مجروح شد. با وقوع حادثه تلاش برای بازداشت دو نفر از عاملان شهادت مأمور پلیس به جریان افتاد تا اینکه صبح دیروز عاملان حادثه بازداشت شدند. در این عملیات ۵۹۰کیلوگرم مواد مخدر از نوع تریاک از قاچاقچیان مسلح کشف و ضبط شده است.

مرد افغان که با همدستی همسرش پسر دعانویس را به قتل

رسانده بود، روز گذشته در جلسه دادگاه حادثه را شرح داد.
به گزارش خبرنگار سا، هجدهم مهر سال ۹۵ زن جوانی مأموران پلیس را از ناپدید شدن شوهر ۲۹ساله‌اش به نام اکبر باخبر کرد و گفت: «شب گذشته به منزل مادرم رفته بودم، صبح وقتی برگشتم متوجه شدم شوهرم در خانه نیست و تلفن همراهش نیز خاموش است. هر جا سراغش رفتم کسی از او خبر نداشتت به همین خاطر نگرانم اتفاق بدی افتاده باشد.»
آن زن در ادامه گفت: «اکبر وقتی تنها بود معمولاً به منزل دوستش به نام محمد که در همسایگی ما زندگی می‌کند، می‌رفت. احتمال می‌دهم او شب گذشته شوهرم را دیده باشد.»

با اعلام این گزارش پلیس به منزل محمد رفت، اما مرد همسایه مدعی بود از دوستش بی‌خبر است تا اینکه در بازجویی از همسر ۲۸ساله محمد به نام نرگس را ز ناپدید شدن اکبر فاش شد. نرگس در بازجویی‌ها به قتل اکبر با همدستی شوهرش اعتراف کرد و در توضیح به مأموران گفت: «من زن اول محمد هستم. مدتی پیش شوهرم من و دو فرزندم را رها کرد و به افغانستان رفت. او در افغانستان با زن دیگری ازدواج کرد و از او صاحب فرزند شد. مدتی گذشت تا اینکه محمد همراه همسر دومش و فرزندش به ایران آمد و مشغول کار جوشکاری شد. این موضوع من را راحت و افسرده کرده بود. پدر مقتول دعا نویس بود به همین دلیل از مقتول کمک خواستم و قرار شد به ازای مبلغی پول دعا بگیرد تا هوویم دست از سر شوهرم بردارد.»
متهم ادامه داد: «به هر سختی که بود ۵۰ هزار تومان بابت چند برگ دعا به او پرداخت کردم، اما مقتول پول بیشتری می‌خواست. از آنجائیکه نمی‌توانستم بیشتر از این مبلغ به او بپردازم او پیشنهاد داد به ازای مابقی پول با هم رابطه داشته باشیم. مدتی گذشت و از این ماجرا عذاب وجدان داشتم تا اینکه روز حادثه ماجرا را برای شوهرم تعریف کردم.»
متهم در خصوص قتل گفت: «روز حادثه وقتی اکبر به خانه ما آمد شوهرم با آجر سه ضربه به سرش زد و بعد یک روسری دور گردنش انداخت و باهم دو طرف روسری را کشیدیم. وقتی صدای نفس نفس زدن‌های مقتول را شنیدیم یک بالش روی دهانش گذاشتم و آنرا چند دقیقه نگه داشتم.»

بعد از این اظهارات، شوهر این زن بازداشت شد و در بازجویی‌ها با اقرار به جرمش گفت: «وقتی از تباط مقتول با همسرم باخبر و عصبانی شدم و شب حادثه به پنهان کشیدن قلبان به طبقه بالا رفتم. مقتول مشغول کشیدن قلبان بود که با کمک همسرم او را به قتل رساندیم. سپس جسدش را داخل یک گونی گذاشته و اطراف بیابان‌های ورآمین رجا کردیم.»

با اقرارهای دو متهم مأموران به آدرسی که جسد در آن رها شده بود، رفتند و بعد از کشف جسد و انتقال به پزشکی قانونی، دو متهم روانه زندان شدند. پرونده نیز بعد از صدور کیفرخواست به شعبه دهم دادگاه کیفری یک استان تهران فرستاده شد و صبح روز قیلول هیئت قضایی به ریاست

عامل قتل مرد دعانویس:

مقتول خیانت کرده بود



قاضی قربان زاده قرار گرفت.

ابتدای جلسه بعد از قرانت کیفرخواست از سوی نماینده دادستان، پدر مقتول در جایگاه قرار گرفت و گفت: «برای کشتن نرگس شکایتی ندارم و اعلام رضایت می‌کنم اما برای شوهر او در خواست قصاص دارم.»

سپس محمد به دستور ریاست داد گاه در جایگاه ایستاد و با قبول جرمش گفت: «آن روز اکبر تماس گرفت و خواست در نبود همسرش به خانه‌شان بروم، من حالم خوب نبود و مریض احوال بودم به همین خاطر خواستم او به خانه‌مان بیاید. قبول کرد و بعدازظهر همان روز وقتی از خانه باو تماس گرفتم همسرم گفت چرا اکبر دست از سر ما برنی دارد. اصرار کردم و دلش را پرسیدم که همسرم قول گرفت آرام باشم تا حقیقت را بگوید. بعد از آن بود که ماجرای دعا و پرداخت پول را تعریف کرد. او می‌گفت مقتول در عوض پرداخت مابقی پول جسدبار باو رابطه داشته‌است. اما دست برد نبرده و حتی از همسر خواسته بود که با همسر دوم نیز رابطه داشته باشد.»
متهم در ادامه گفت: «بعد از تمام شدن حرف‌های نرگس مقتول زنگ زد. با حقیقت تلخی که نرگس برآیم تعریف کرده بود وقتی اکبر از او وارد شد انگار یک شیطان جلویم ایستاده است. به همین دلیل به طبقه بالا رفتم و با آجر به سرش زدم. می‌خواستم شیشه قلبان را روی سرش بشکنم، اما شیمان دو شدم. بعد یک روسری دور گردنش انداختم و با همسرم دو طرف روسری را کشیدیم. هنوز مقتول نفس می‌کشید آنجا

بود که همسرم یک بالش برداشت و چند دقیقه روی دهن مقتول نگه داشت.»

متهم در آخرین دفاعش گفت: «از قبل نقشه‌ای برای کشتن مقتول نداشتم. اما وقتی آن حرف‌ها را شنیدم خیلی ناراحت شدم. ما با هم رفیق چند ساله بودیم و با هم رفت و آمد داشتیم.»
از او انتظار نداشتیم چنین خیانتی را در حق من انجام دهد.»

در ادامه دیگر متهم که روزهای حبسش را با دو فرزند دخترش در زندان سپری می‌کرد در جایگاه قرار گرفت و با انکار جرمش گفت: «مقتول در خواست رابطه کرده بود اما هیچ رابطه‌ای با او نداشتم و او را نکشتم.»
او در خصوص تناقضات در اظهاراتش گفت: «آن روز به خاطر قتل و دیدن خون مقتول ترسیده بودم و آن حرف‌ها را زدم اما باور کنيد در قتل نقشی نداشتم. وقتی شوهرم با آجر به سر مقتول زد او خونین روی زمین افتاد سپس شوهرم مرا مجبور کرد و گفت یک بالش روی دهن مقتول بگذارم تا باور کند هیچ رابطه‌ای با او نداشتم. از ترس بالش را نزدیک دهن مقتول بردم، اما شوهرم از عصبانیت پایش را روی بالش گذاشت و دقایقی آنرا نگه داشت.»
بعد از دفاعیات زن جوان، شوهر او در پاسخ به سوالات هیئت قضایی گفت: «همسرم دروغ می‌گوید او در قتل همدست من بوده است. این آموخته‌های زندان است که تعریف می‌کند.»

در پایان هیئت قضایی جهت صدور رای وارد شور شد.

زورگیری با همدستی همسر صیغهای

مرد جوانی که با همدستی یکی از دوستانش زن صیغهای‌اش را برای سرفقت خودرو و زورگیری از مسافران طعمه قرار داده بود ماجرا را شرح داد.
به گزارش خبرنگار، ما، چندی قبل مردی به اداره پلیس رفت و از دو مرد و زن جوانی به اتهام زورگیری در پوشش مسافربری شکایت کرد.

شاکي در توضیح ماجرا گفت: من مهندس هستم و شرکتي در یکی از خیابان‌های شرقی تهران دارم. چند روز قبل خودروم را برای تعمیرات به مکانیکی بردم. از آنجایی که تعمیرات خودروم چند ساعتی زمان لازم داشت برای رفتن به محل کارم داخل خیابان سوار خودروی پرایدی شدم که علاوه بر راننده، زن جوانی هم به عنوان مسافر در صندلی جلو نشسته بود. کمی آنطرف‌تر مرد جوانی هم به راننده مسیر مستقیم گفت و در صندلی عقب کنارم نشست و راننده به راه افتاد. دقایقی بعد در حال حرف زدن با تلفن بودم که فهمیدم راننده مسیرش را تغییر داد. وقتی علت تغییر مسیر را از راننده سؤال کردم مدعی شد که مقصد زن جوان خیابان فرعی در این نزدیکی است و پس از پیاده کردن او دوباره به مسیر اصلی بر می‌گردد. ابتدا به حرف‌هایش اعتماد کردم اما بعد به رفتارهای راننده و زن جوان مشکوک شدم و از راننده خواستم کنار خیابان مرا پیاده کند که ناگهان مردی که کنارم نشسته بود چاقویی به پهلویم فشار داد و تهدید کرد که اگر حرفی بزنم و اعتراضی کنم مرا می‌کشد. در حالی که به شدت ترسیده‌بودم راننده به سرعت خودرواش افزود و مرا به خارج از شهر بردند. راننده خودرو را در مکان خلوتی نگه داشت و تمامی وسایل گرانقیمت و کارت‌های بانکی‌ام را به زور از من گرفتند. سپس آنها به داخل خیابان آمدند و کنار دستگاه عابر بانکی توقف کردند و از من خواستند رمز کارت عابرم را در اختیار آنها قرار دهم. وقتی مقاومت کردم مرد چاقو به دست ضربه محکمی به پایم زد و خون از پایم سرازیر شد. از ترس جانم رمز کارت‌رم را به آنها دادم و زورگیران هم پول‌های کارت‌م را خالی کردند و بعد در خیابان خلوتی مرا از خودرو پانین انداختند و فرار کردند. پس از این راننده عبوری پیکر خونین مرا به بیمارستان منتقل کرد و چند روزی در بیمارستان بستری بودم.

با طرح این شکایت تیمی از مأموران پلیس آگاهی به دستور قاضی سه‌راهی، بازپرس شعبه نهم دادسرای امور جنایی تهران برای شناسایی زورگیران مسافر بر وارد عمل شدند.

حوادث

سرویس حوادث، ۸۸۹۸۴۳۵

یادداشت

ضرورت مراقبت آنلاین از کودکان برای پیشگیری از جرائم

سهرنگ دوم مهدی شکیب *

یکی از مهمترین موضوعاتی که این روزها در بین نوجوانان و جوانان مطرح است بحث بازی‌های رایانه‌ای است. بازی‌هایی که امروزه به صورت آنلاین و گروهی انجام شده و آنقدر جذابیت دارند که کاربران از انجام آنها به وجد آمده و منتظر ارائه نسخه‌هایی جدید از این بازی‌ها هستند. بازی‌هایی که مرزهای جغرافیایی را در نور دیده و در سراسر جهان کاربران مختلف می‌توانند فارغ از هر نژاد و جنس و رنگ و هر سن، مراحل مختلف این بازی‌ها را طی کنند. این بازی‌ها گاه مناسب جنس و سن خاصی نبوده یا از نظر فرهنگی همخوانی با جامعه کاربران ندارد، اما این بازی‌ها به قدری جذاب و پاپرنامه طراحی شده‌اند که کاربران چشمان خود را روی تفلوت‌ها و مشکلات مختلف بسته و تنها به دنبال رسیدن به مراحل پایانی بازی و بالا بردن رنکینگ خود هستند.

شاید اگر از والدین در مورد بازی‌هایی که فرزندان آنها انجام می‌دهند سؤال پرسیده شود، با رضایت کامل از سرگرم شدن فرزندان استقبال کرده و انجام بازی‌های رایانه‌ای را در جهت یادگیری مهارت و انجام کارهای گروهی مؤثر بدانند. در واقع اگر خانواده‌ها با تهدیدات بازی‌های آنلاین به صورت کامل‌اجدی آشنا شوند و در انتخاب بازی مناسب برای فرزندان‌شان حساس‌تر باشند تا حد بسیار زیادی از مخاطرات و عواقب بازی‌های نامناسب در امان خواهند ماند.

در سالیان اخیر شاهد طراحی بازی‌های جذاب بسیاری بوده‌ایم که جدا از اهداف هدفمند و نهایی طراحان و گردانندگان این بازی‌ها، از جذابیت و تنوع لازم برخوردار بوده و توانسته‌اند کودکان و نوجوانان را ترغیب به نصب و انجام بازی‌تا مراحل پایانی کنند. بازی‌هایی همچون کَش آف کلنز، یو کمون گو، چالش نهنگ آبی از نمونه‌هایی هستند که در یکی دو سال اخیر به صورت رایگان به بازار عرضه شده و توانسته‌اند کاربران خود را راضی کنند. بازی‌هایی که برخی از آنها در سراسر جهان در نهایت کاربران خود را به کام مرگ کشانده‌اند.

با کمی جست‌وجو در اینترنت و شبکه‌های اجتماعی می‌توان به ورود بازی مرگبار دیگری اشاره کرد که راه چالش نهنگ آبی را در پیش گرفته و با ایجاد رعب و وحشت در بین کاربران در نهایت آنها را به سمت خود کشی راهنمایی می‌کند. این بازی محصول طراحان عربستان سعودی بوده و به دنبال کمک به دختر بچه‌ای ۹ساله که راه خانه را گم کرده و کاربر باید در طول این بازی و گذر از مراحل مختلف وی را به خانواده‌اش تحویل دهد.

نکته‌ای بسیار مهم که باید به این اشاره کرد این است که بسیاری از کاربران نمی‌دانند طراحان این بازی‌ها با چه هدفی این بازی‌ها را طراحی کرده‌اند. بازی‌هایی که می‌توانند در سرهای فراوانی در پی داشته باشند. بازی‌هایی که گاه با اهداف سیاسی طراحی شده و گاه برخی افراد روان پریش طراحی آن را بر عهده داشته‌اند. بازی‌هایی که با هدف جمع‌آوری اطلاعات شخصی کاربران تا جاسوسی‌های مهم و سازمان یافته علیه کشورها ساخته شده و می‌شوند.

بنابراین لازم و ضروری است تا نسبت به گسترش اینگونه بازی‌ها دقت و حساسیت بیشتری داشته باشیم تا بتوانیم از وقوع اتفاقات ناگوار برای فرزندانمان جلوگیری کنیم.

طراحی بازی‌های داخلی و جذاب که متناسب با سن و روحیه کودکان و نوجوانان باشد، می‌تواند تا حد بسیار زیادی از گسترش بازی‌های خارجی جلوگیری کند.

از این بین نباید از نقش والدین در تربیت و کنترل فرزندان غافل شد. به جرت می‌توان گفت خانواده‌ها در این میان مهمترین نقش و وظیفه را بر عهده دارند و نقش نظارتی خانواده‌ها بر فعالیت آنلاین فرزندان از مهمترین اقدامات والدین در این خصوص بوده که بسیار حائز اهمیت است.

والدین محترم باید از ابتدا مهارت‌های مهم زندگی را به فرزندان بیاموزند (مهارت‌هایی از قبیل حل مسئله، مهارت نه گفتن، نظم داشتن، مهارت دوستیابی و…) والدین باید با روالی معین و منطقی، انتظارات خود را از فرزندان بیان کنند و حد و حدود و خطوط قرمز را به آنان گوشزد کرده و با فرزند خود مرتب صحبت کنند و همیشه به او یادآور شوند که پشتیبان همیشگی او هستند، کودک کم‌پای می‌گیرد مسائل و مشکلات خود را با شما در میان بگذارد و باز شما کمک‌بگیرد.

* رئیس اداره پیشگیری از جرائم سایبری پلیس فتا ناجا

قاتل بنیتا به زودی قصاص می‌شود

رئیس کل دادگستری استان تهران از اجراء حکم قصاص بنیتا پس از پایان ماه مبارک رمضان خبر داد. غلامحسین اسماعیلی در خصوص آخرین وضعیت اجرای حکم قاتل بنیتا گفت: فرآند مربوط به اجرای حکم انجام شد و پرونده در اختیار اجرای احکام دادسرا قرار گرفته‌است. وی افزود: با توجه به اینکه پرونده شاکي خصوصی دارد، در اولین فرصت زمان اجرای حکم مشخص می‌شود.

وی ادامه داد: با توجه به اینکه در روزهای پایانی ماه مبارک رمضان هستیم، معمولاً در این ایام حکم اجراء نمی‌شود، پس از پایان ماه مبارک تعیین صورت گرفته و حکم به اجراء می‌آید.

اسماعیلی در خصوص مهتم ردیف دوم پرونده قتل بنیتا هم اظهار داشت: با توجه به اینکه بخشی از موضوع نیاز به بررسی مجدد داشت پرونده به دادسرا برگشته و منتظر تکمیل تحقیقات دادسرا هستیم. ۲۹ تیر سال ۹۶ بود که خبر روده شدن بنیتا دختر بچه هشت‌ماهه منتشر شد. در حالی که بنیتا داخل خودرو خواب بود پدرش برای باز کردن در پارکینگ از خودرو پیاده شده بود که محمد، عامل اصلی حادثه که همراه دوستش در حال عبوراز محل بود خود را به پشت فرمان رساند و با سرفقت خودرو از محل گریخت. مأموران بعد از تلاش روز ه جسد بر بنیتا را داخل خودرو در پاکدشت کشف و سپس دو متهم را بازداشت کردند با کامل شدن تحقیقات متهم ردیف اول به اتهام قتل عمد به قصاص، به خاطر آدم‌ربایی، رها کردن طفل و مباشرت در سرفقت مجموعه‌ای ۵ساله حبس ۱۱۱ ضربه شلاق، رد عین مال سرپوشه، دزدی و دوسال تبعید به دیوان در محکوم شد. متهم ردیف دوم پرونده نیز در تباط با عنوان اتهامی مختلف، جمعاً به ۱۲سال حبس، ۱۱۱ ضربه شلاق و دو سال اقامت اجباری در شهرستان ایذه محکوم شد.